

مجلة آداب ذي قار  
Thi Qar Arts Journal



بررسی تطبیقی مدرنیته در شعر نیما یوشیج و بلند الحیدری  
الحدائثة في شعر نیما یوشیج وبلند الحیدري ( دراسة مقارنة)

Modernity in the Poetry of Nima Yoshij and Baland Al-Haidari A comparative study

أ.م.د. فلاح حسن عباس

Assistant Professor Dr. Falah Hassan Abbas

University of Thi Qar / College of Arts

Abstract

This research discusses the issue of modernity in contemporary Persian and Arabic poetry. The researcher chose the Iranian poet Nima Yoshij, who is considered one of the pioneers of modernity in contemporary Iranian poetry, and the Iraqi poet Baland Al-Haidari, who is also one of the pioneers of modernity in contemporary Iraqi poetry.

Through their poetry, the two poets expressed the themes of modernity that entered the world of poetry and literature, and that are based on modernist concepts with a new and contemporary vision in harmony with their time; The two poets explained their aspirations and hopes, and the hopes and issues of society. The poet is a member of the community who feels his suffering, his concerns and his ambitions and expresses them in the most sincere way. It seems that the poets have benefited from their experiences and their culture of roses in updating the poem in form and content.

The researcher also chose models from the poems of the two poets (Nima Yoshij and Baland Al-Haidari) that included modern themes through which the two poets dealt with various (new) individual and societal issues and other human issues.

Keywords: Modernity, Nima Yoshij, Baland Al-Haidari, comparative literature, contemporary Iranian and Iraqi poetry.

معلومات البحث

تاريخ الاستلام : ٢٠٢٢/٦/٢٩

تاريخ قبول النشر : ٢٠٢٢/١٠/١٨

متوفر على الانترنت : ٢٠٢٢/١٢/٢٧

الكلمات المفتاحية :

المراسلة :

د. فلاح حسن

[falahhassan1972@yahoo.com](mailto:falahhassan1972@yahoo.com)

## الملخص

يناقش هذا البحث قضية الحداثة في الشعر الفارسي والعربي المعاصر. إختار الباحث الشاعر الإيراني نيما يوشيج الذي يعد من رواد الحداثة في الشعر الإيراني المعاصر، والشاعر العراقي بلند الحيدري وهو أحد رواد الحداثة في الشعر العراقي المعاصر أيضاً.

عبر الشاعران من خلال شعرهما عن مواضيع الحداثة التي دخلت عالم الشعر والأدب، والمستندة على مفاهيم حداثوية ذات رؤية جديدة و معاصرة منسجمة مع زمنهما؛ وقد بين الشاعران تطلعاتهما وآمالهما وآمال المجتمع وقضاياها. فالشاعر فرد من أفراد المجتمع يشعر بمعاناته وهمومه وطموحاته ويعبر عنها بأصدق تعبير. ويبدو أنّ الشاعرين قد استفادا من تجاربهم وثقافتهم للورود في تحديث القصيدة شكلاً ومضموناً.

كما إختار الباحث نماذج من أشعار الشاعرين ( نيما يوشيج و بلند الحيدري ) تضمنت مواضيع حداثوية عالج الشاعران من خلالها قضايا ( جديدة ) متنوّعة فردية ومجتمعية وقضايا إنسانية أخرى .

**الكلمات المفتاحية:** الحداثة، نيما يوشيج، بلند الحيدري، الأدب المقارن، الشعر الإيراني والعراقي المعاصر.

## چکیده

این پژوهش به بررسی موضوع مدرنیته در شعر معاصر فارسی و عربی می پردازد. پژوهشگر نیما یوشیج شاعر ایرانی را که از پیشگامان مدرنیته در شعر معاصر ایران بشمار می رود، و بلند الحیدری شاعر عراقی که از پیشگامان مدرنیته در شعر معاصر عراق است، انتخاب کرده، این دو شاعر از طریق شعرشان، مدرنیته ای را که وارد دنیای شعر و ادبیات شده است، بر اساس دیدگاه های مدرنیستی جدید و معاصر سازگار با زمان شان بیان می کنند؛ این دو شاعر آرزوها، امیدهای شان، امیدهای جامعه شان و مسائل آن را نشان می دادند. شاعر عضوی از جامعه است که رنج، نگرانی و جاه طلبی خود را احساس می کند و با صمیمانه ترین بیان آن ها را ارائه می کند. به نظر می رسد که دو شاعر از تجربیات و فرهنگ خویش در تجدید قصیده چه در قالب و چه در محتوا بهره مند شده اند. این محقق همچنین نمونه هایی از اشعار دو شاعر (نیما یوشیج و بلند الحیدری) را انتخاب کرده که شامل موضوعات مدرنیستی است و از طریق آن دو شاعر به مسائل مختلف فردی و اجتماعی (جدید) و دیگر مسائل انسانی می پردازند.

## واژه های کلیدی

مدرنیته، نیما یوشیج، بلند الحیدری، ادبیات تطبیقی، شعر معاصر ایران و عراق.

## مقدمه

در ایران و عراق میل به تازگی و مدرنیته در شعر و همچنین سایر بخش های ادبیات وجود دارد - محقق این موضوع را در تحقیق مورد بحث قرار داده است - نشانه های تغییر در شکل روشنی در ادبیات، همراه با مسائل اجتماعی، فرهنگی و انسانی، آشکار شده است. در ادبیات به طور کلی و شعر به طور خاص در واژگان و اصطلاحات جدیدی ظاهر شد که در اشعار قدیمی ظاهر نمی شود. شاعران شروع به برداختن به موضوعات جدیدی از جمله مسائل زنان و مطالبه حقوق و آزادی شان، جامعه و بی عدالتی و ظلم و ستم و مسائل اجتماعی و انسانی که بیانگر مسائلی خارج از مرزهای دولت و جامعه است و مسائل مهم انسانی کردند. واژه های جدیدی وارد دنیای شعر شده اند مانند: غرب، ملت، مردم، فرد، نمادهای مختلف، اساطیر و نقابهایی که مواد مختلفی را بیان می کنند. نویسنده، شاعر یا روشنفکر احساس می کند که نقش مهمی در تغییر و توسعه جامعه اش دارد تا همگام با پیشرفت در دنیای مدرن باشد. ادبیات و شعر به همگام شدن با تجربه انسان و نظارت بر تغییر زندگی و ارزشهای جامعه کمک می کنند. نویسندگان، شاعران و روشنفکران زیادی در ادبیات - ایران و عراق - وجود دارند که تلاش های فراوان و مهمی در زمینه ( روشنفکری ) آموزش و پرورش، تجدید و مدرنیته دارند. رشد آگاهی از دانش و توسعه در دنیای غرب از طریق بازگشت دانشجویان - به دو کشور - که برای تحصیل به اروپا اعزام شده بودند، در رشد آگاهی تأثیر داشت، و همچنین نگارش و ترجمه آثار فرهنگی و ادبی، انتشار روزنامه ها، جنبش چاپ و عوامل دیگر، نقش برجسته ای در حرکت تغییر و مدرنیته داشته اند. این پژوهش به مدرنیته شعر معاصر عراق و ایران به ویژه در شعر نیما یوشیج و بلند الحیدری می پردازد زیرا آنان از پیشگامان مدرنیته در کشورهایشان است.

تحقیق شامل: مقدمه، و سپس محقق در مورد توسعه شعر در ایران و عراق صحبت کرده بعد از آن موضوع مدرنیته را در شعر نیما یوشیج و بلند الحیدری بحث و بررسی قرار می دهد. و در نهایت نتیجه گیری که شامل مهم ترین نتایج تحقیق است.

از دلایل نگارش این پژوهش، نبود مطالعاتی است که به بحث مدرنیته بین این دو شاعر بپردازد. محقق مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی را دنبال می کند که نیازی به تأثیر و تأثیر گذاری در مطالعات ادبی تطبیقی ندارد.

### نو آوری در شعر فارسی

در آغاز قرن بیستم میلادی شاعران ملی مشروطه خواه در دوره انقلاب مشروطه استبداد و استعمار را تقبیح می کردند، آزادی و استقلال را می ستودند؛ به مقتضای زمان و بعلت سلطه دولتهای روس و انگلیس تحمیل شده بر ایران. در اشعاری که بعلت جو متشنج آن وقت، جز از محتوای سیاسی و اجتماعی و انتقادی خاص، استفاده از زبان رایج مردم، با اشعار سنتی هیچ تفاوتی نداشت. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، عباس میرزا ولیعهد نخستین چاپخانه در تبریز در ۱۸۰۵

برای چاپ کتاب و روزنامه بنیان نهاد. سپس چند دانشجو از ایران برای تحصیل به اروپا فرستاد. آن‌ها با دانش و اندیشه‌های نوین به میهن‌شان برگشتند.<sup>i</sup> اقدامات اولیه‌ی عباس میرزا نایب‌السلطنه و میرزا ابو القاسم قائم مقام در زمینه اشاعه فنون و صنایع نوین و همینطور اصلاحات میرزا تقی خان امیر کبیر و تاسیس دار الفنون در سال ۱۸۸۹م، واعزام دانشجویان به اروپا، تاسیس چاپخانه و توسعه صنعت چاپ، ومسایل دیگر اولین قدم در تحول و دگرگونی فضای فکری به شمار می‌رود.<sup>ii</sup>

وقتی ادبیات مشروطه را با ادبیات قدیم مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چه از نظر ظاهری و چه از نظر محتوا، اختلاف و تفاوت وجود دارد. ادبیات مشروطه نو و سنت شکن است، محتوای ادبیات مشروطه در زمینه‌های مختلفی مانند: جنبه‌های متفاوت روابط اجتماعی، عدالت اجتماعی، وطن و ناسیونالیسم، ترقی و دانش پژوهشی و دیگر می‌پردازد. شایان ذکر است که قصاید و قطعات و مثنویها و رباعیها دوره‌ی سی ساله اول جنبش مشروطه لبریز از مضامین اجتماعی بود. مانند: (سه تابلو مریم) از عشقی، (شمع مرده) از دهخدا، مثنوی (عارفانامه) از ایرج میرزا، قصیده (جغد جنگ) از ملک الشعرای بهار، قطعه (محتسب و مست) از پروین اعتصامی، قطعه (عقاب) از دکتر خانلری که این اشعار در قالب شعری قدیم سروده شده اند اما در عین تازگی بینشی نو داشتند.

اما در دوره‌ی که با سرودن و آفرینش شعری مانند (افسانه) از نیما یوشیج شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، می‌بینیم که نیما توانست دایره‌ی تصویرها و توصیفها را گسترش داده و شعر را به واقع زندگی نزدیک کند. (افسانه) نقطه‌ی شروعی در شعر جدید فارسی بشمار می‌رود، و با جنبش مشروطه دگرگونی نمایانی در زندگی و در فرهنگ ایران آغاز می‌شود. تحول در شعر و ادبیات فارسی آرام صورت گرفته است که هنوز بسیار از مردم نمی‌توانند باور کنند در این زمینه هم عصر نوینی شروع شده است – عصر سبک نو، عصر شعر نو.

قبل از جنبش مشروطه شاعران و نویسندگان خویش را در میان مردم احساس نمی‌کردند، و همینطور پیوندی میان خویش و عوام نمی‌دیدند. قبلاً شاعر می‌خواهد به سلطان و امیر و وزیر برسد که طبق سلیقه و خواست آنان شعر بسراید. بعد از استقرار مشروطیت این موضوع متحول شد، البته که ترجمه آثار شاعران و نویسندگان اروپایی در شعر فارسی تحولی بوجود آورد و از طریق ترجمه، ایرانیان توانستند ادبیات دیگران را بخوانند. شاعران تحت تاثیر جریانهای فکری روز قرار گرفتند و برای بیداری اندیشه‌های مردم کوشیدند. ادیب الممالک از اولین کسانی بود که به این امر توجه کرد و اشعار اجتماعی سرود مانند قصیده که درباره عدلیه و دادگاه بخش (صلحیه بلد) سروده است. و همینطور که در شعر شاعران آن روزگار واژه‌های نوین و بیگانه مانند: پارلمان، تأثر، فاکولته، استامپ، پرسنل و دیگر.<sup>iii</sup>

شعر (افسانه) در ۱۹۲۲ سروده شد، و در روزنامه قرن بیستم منتشر شد، آن شعر با همه اشعار همزمان خود تفاوت داشت از جهت محیط شعری و چه از لحاظ شکل و زبان. نیما با نوشتن اصول و ضوابط شعری شروع بفعالیت کرد. و چون شاعری حرفه ای با دیده جدید و اعتماد ژرف و اعتقاد کامل ظاهر شد. او زبان شعری نوینی داشت و توانست بواسطه آن اشعار با مضامین و اهداف بسراپد. و همینطور توانست چشم اندازی از شعری به تمام معنی جدید بیابد. نیما خوب می دانست که ابداع و نو آوری با تفکر و تخیل نو و دانش و بینش امروزی و استعداد و توان آفرینش زبان شعر جدید با ترکیب های بی سابقه تحقق می یابد، او توانست قالب های قدیم در شعر و از محدوده آن عبور کند. انتشار مجله موسیقی زیر نظر روشنفکران آن زمان، راه برای چاپ و نشر اشعار و اندیشه های نیما فراهم کرد. موضوعهای نظری نیما، از آن ارزش احساسات و حرفهای همسایه و دونا، جامع ترین و تازه ترین نظریه های ادبی و هنری در ایران به شمار می روند و بسیاری از منتقدان و مترجمان و شاعران به آثارش اهمیت می دادند.

شعر امروزی در ایران مایه سیاسی و اجتماعی داشت. جز در بعضی از اشعار اندکی است. و شاعران نو پرداز واقعی به این ویژگی متمایز می شوند. " معاصر بودن " در شعر به معنی همزمان بودن با مردم نیست، بلکه به معنای در زمان بودن و با تمام وجود زمانه خود را دریافتن و مجهز شدن به زبان نوین است. علیرغم " معاصر بودن " همه شاعران مدرنیست، هر یک از آن ها ذهنیت خاصی دارند که در مضامین شعری شان متبلور است و از نگرشی فراگیر به انسان و جهان سرچشمه می گیرد.<sup>iv</sup>

### نو آوری در شعر عراقی

آموزش در عراق پس از جنگ جهان دوم نسبتاً رشد چشمگیری داشت، در سال های ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱، ۱۹۳۱، ۱۹ مدرسه متوسطه و دبیرستان وجود داشت. در سال ۱۹۴۹، ۹۳ مدرسه متوسطه و دبیرستان وجود داشت. و همچنین آموزش عالی مانند: دانشکده حقوق، مهندسی، دانشکده پزشکی، دانشسرای عالی و دیگر مدارس بوجود آمد. دانشسرای عالی در جنبش فرهنگی اهمیت برجسته در عراق داشت، دانشسرای عالی با فعالیت دانش آموزانش در زمینه های مختلف در عراق متمایز شد.

هنگامی که جنگ جهانی دوم آغاز شد، جریانهای فکری وجود داشت که در میان روشنفکران جوان متبلور شدند، در جامعه ای که بی سوادی و خرافات حاکم است. از برجسته ترین جریان های فکری که در آن زمان به عراق راه یافتند، جریانهای مارکسیستی، ناسیونالیستی، مذهبی، وجودی و غربی بودند.

گسترش مدارس، افتتاح دانشکده ها و موسسات عالی، افزایش نسبت آموزش و فرهنگ، ارتباط شهرها با روستاها و بهبود حمل و نقل بر گسترش روزنامه نگاری و افزایش خوانندگان تأثیر داشت.



روزنامه ها و مجلات تا حدودی به فکر، ادبیات و شعر توجه داشتند. مجلات و روزنامه هایی که در طول سال ها منتشر می شدند عبارتند از: (صوت الأهلای: صدای مردم، الرأي العام: افکار عمومی، الوطن: میهن، السیاسة: سیاست، البلاد: کشور، الومیض: چشمک، فینوس: ونوس، الأمانی: آرزوها، الحکمة: حکمت، الحاصد: دروگر، النجف: نجف، المثل العلیا: آرمانهای بلند)<sup>v</sup> است. عراق از اوایل دهه ۱۹۳۰ فرستادگانی را برای مطالعه و کسب تخصص در زمینه های علوم، ادبیات و هنر به اروپا می فرستد. بازگشت این دانش آموزان تحصیل کرده از خارج در توسعه آگاهی و فرهنگ تاثیر داشت. تعدادی از روشنفکران کتاب های فراوانی نوشته و آثار فرهنگی و فکری بسیاری ترجمه کرده اند. در آن زمان رمان (مادر) توسط ماکسیم گورکی و تعدادی از اشعار ناظم حکمت و برخی از اشعار چخوف ترجمه شد. ادبیات عرب از آغاز این قرن شاهد تحولات مهمی به ویژه دهه های سوم و چهارم بوده است. شعر سهم زیادی در این تحول داشت،<sup>vi</sup> در پایان دهه ۴۰ تعداد زیادی از ادیبان و شاعران جوان ظاهر شدند که بیشتر آن ها در بغداد بودند. از جمله شاعران نامدار آن دوره می توان از: بدر شاکر السیاب، بلند الحیدری، اکرم الوتري، فؤاد التکرلي، حسین مردان، غائب طعمة فرمان، عدنان رؤوف و دیگران نام برد.<sup>vii</sup> بلند الحیدری وضعیت این جوانان را این گونه توصیف می کند: " این جوانان سخت کوشیدند تا مورد توجه قرار گیرند... تمام آثارشان فریادهای افراد رها شده در این دنیای پر از حوادث و مشکلات بود، آنها می کوشیدند تا جلوه نموده و دیگران نیز آن ها را در یافتند. این چیزی است که باعث پیدایش آثار اعجاب انگیز آنان شده و مشوق آنها در این راه بود"<sup>viii</sup> پس از آن الحیدری نمونه هایی از رفتار آن جوانان را در نقاشی ارائه می دهد، و از انتشار روزنامه ای به نام (الوقت الضائع: زمان از دست رفته) صحبت می کند. جستجو و پایبندی به آنچه در زمینه تغییر می توان ارائه کرد، ویژگی اصلی بوده است. این تلاش ها که تا اواخر دهه ۱۹۴۰ انجام می شد، ماهیتی تجربی داشت و متکی بر مدل اروپایی بود؛ و این بدلیل جدیت و شایستگی و پیوستن به مظاهر زندگی پیشرفته اروپایی بود...<sup>ix</sup>

اصطلاح (شعر آزاد) از اوایل دهه پنجاه در عراق و کشورهای عربی رایج شد و نشان دهنده الگویی از شعری است که یک سطر دارد و طول ثابتی ندارد، که در آن تعداد تفعیلات از سطر به سطر تغییر می کند بدون اینکه به یک سیستم قافیه ثابت پایبند باشند. شاعران پیشرو نخستین تلاش هایی خویش را شعر آزاد ندانستند. نازک الملائکه آن را اینگونه توصیف کرد: " رنگ جدید... سبک جدید... روش". بدر شاکر السیاب آن را شعری با اوزان و قافیه های متعدد توصیف کرد. اما اصطلاح (شعر آزاد) را پس از رواج آن در جامعه ادبی به کار بردند. در دهه ۱۹۵۰ تعدادی از روشنفکرانی که برای تحصیل سفر کرده بودند به عراق بازگشتند. آنها در زندگی فرهنگی فعال بوده اند و آگاهی در عراق بر جنبه های مختلف فعالیت اجتماعی و فرهنگی رشد فراوانی داشت. نویسندگان جوان به موضوع تجدید اهمیت دادند و به محتوا علاقه داشتند چون نقطه شروع تجدید بود.<sup>x</sup>

بلند الحیدری از پیشگامان شعر آزاد در عراق است، و اشعار جدید خود را در روزنامه ها و مجلات، بویژه در مجله لبنانی (الأدیب) منتشر کرده است. توجه می کنیم که شاعر به سمت تجدید می رود، به ویژه در مجموعه شعر (أغاني المدينة المیتة وقصائد أخرى: ترانه های شهر مرده و قصیده های دیگر). و (خطوات في الغربة: گام هایی در غربت). دیوان (خففة الطین: تبش گل) که توسط بلند در سال ۱۹۴۶ منتشر شد، دستاورد مهمی در راه تجدید شعر بشمار می رود.<sup>xi</sup> در آن زمان، او به بسیاری از الزامات فنی در کار شعری بیشتر آگاه بود. او در سال ۱۹۵۱ دومین مجموعه شعرش (أغاني المدينة المیتة: ترانه های شهر مرده) را منتشر کرد که مقدمه آن توسط جبرا ابراهیم جبرا نوشته شده است و در آن به این نکته اشاره می شود که شعر کهن دیگر مناسب عصر جدید نیست. وی همچنین به تغییر سبک زندگی و نفوذ تمدن غرب اشاره کرد، و جبرا همه این وجنیه ها را با شعر بلند پیوند می زند. و اشاره کرد که الحیدری روح عصر جدید را با اوزان موسیقی جدید به تصویر می کشد. وی همچنین به شباهت های عجیب شعر الحیدری با شعر معاصر انگلیسی اشاره می کند. اشعار الحیدری از درون از طریق جزئیات منسجم رشد می یابد. و در نهایت تبدیل به یک واحد یکپارچه می شود. این عناصر به شعر الحیدری در تولید ادبی نوین اهمیت خاصی می بخشد. او در سال ۱۹۵۱ اشعاری از جمله: (کبریاء: غرور، العقم: عقیم، یاصدیقي: ای دوست من، حب قدیم: عشق قدیمی) را در مجله (الأدیب) منتشر کرد که بیشتر این اشعار سبک آزاد دارد.<sup>xii</sup>

### مدرنیته در اشعار نیما یوشیج، و بلند الحیدری

نخستین اثر نیما یوشیج (قصه رنگ پریده، خون سرد) بود و از طریق آن حضور خود را در شعر اعلام می کرد و با بیان حال او می کوشد که خویشتن خویش را بشناخت. (افسانه) یعنی صورت کمال یافته (قصه رنگ پریده، خون سرد) که از همان بدایت نظرهای این و آن به خود معطوف می داشت و از نظر فضا و زبان و بیان در واقع به عنوان اولین شعر بطور جدی نو شناخته شد. اما بعد از (افسانه) در کنار یافتن قطعات و مثنویات و غزلیات و قصاید سنتی در قوالب بی سابقه، مانند مسمط و ترکیب بند جدید و گاه مسمط - مستزاد، ترکیب بند - مستزاد، اعم از مثلث و مخمس و مسدس و با سرودن آثاری مانند (شیر)، (محبس)، (خارکن)، (خانواده سرباز)، (شهید گمنام)، (صبح)، (شمع گرچی)، (سرباز فولادین)، (از ترکش روزگار) و چند اثر دیگر و با شکستن متناوب قوالب معروف و متداول، و همراه با تجاوز تدریجی از هنجارهای زبان و کشف فضاهای جدید و رسیدن به شعری دیگر سخت می کوشید. لذا می توان آن اشعار را (معاصر) نامید.<sup>xiii</sup>

وقتی که اشعار نیما را می خوانیم، شاهد دید تازه او به طبیعت و جهان و انسان خواهیم بود، به همین سبب موضوع و مضمونهای شعر او در آثار دیگران یا طرح نشده یا به آن زاویه مورد توجه نبوده

است، و همینطور دید اجتماعی و اقتصادی او در بسیاری از اشعارش و نیز اشعاری سمبولیک و انتقادی که پیچیده تر بود، آن را بطور نوین و بی سابقه عرضه داشته است.<sup>xiv</sup>

نیما به طبیعت زنده و پیرامون خود عشق می ورزد چون آن گهواره کودکی، پرورشگاه و دامان مادرانه اش و شعر او بود. دامنه سبز مازندران با گله ها و درخت ها و گلها و مه ها و ابرها و آسمان و دریا و بارانش، زاویه ای از چشم انداز شاعری عاشق که چشمه تجلی معشوق می شود و معشوقی که حتی اندیشه ها و ایماژ خیال عاشق را بطور طبیعی و عینی در می آورد. و از بین این اشعار: ( اندوهناک شب )، ( اجاق سرد )، ( باد می گردد )، ( جاده خاموش است )، ( باد )، ( گندنا ) و شعرهای دیگر:

هنگام شب که سایه ی هر چیز ز پرور وست

دریای منقلب

در موج خود فر وست،

هر سایه ای رمیده به کنجی خزیده است،

سوی شتابهای گریزندگان موج.

بنهفته سایه ای

سر بر کشیده ز راهی این سایه، از رهش<sup>xv</sup>

الحیدری از واژه های طبیعت استفاده می کند که نشان دهنده طراوت، شادابی و زیبایی است. ریشه ها شاخه ها و میوه ها امید آینده را نشان می دهند، و چشمان نو جوانان به آینده ای روشن، آرامش، اعتماد به نفس و باروری امیدوار هستند:<sup>xvi</sup>

لو عدت یا صباح

ألفیتنی الزورق والشراع والرياح

والبحار

ألفیتنی أضوء ألف موعد في أعين الصغار

كأنني

الجزور والأغصان والثمار<sup>xvii</sup>

عشقی که نیما در شعر افسانه بیان می کند رمانتیک و نو است، عشقی پر از خاطره و نیز تا حدی با عشق عرفانی در ادبیات قدیم همانند است، ولی نمایان است که بین آن ها اختلاف اساسی وجود



دارد، در این عشق وجود زمینی معشوق است. شاعر در حالت عاطفی خاصی آن را سروده است. افسانه بیان عشق که از درون شاعر چشمه می‌گیرد،<sup>xviii</sup> و " افسانه در مجموع شعری نیست که بتوان آن را جزو بهترین اشعار نیما برگزید. اما به هر حال نیما با این شعر به شهرت رسید و به او شاعر افسانه می‌گفتند. برخی از شاعران بزرگ هم‌عصر با نیما ( مثلاً عشقی، بهار، شهریار...) هر یک به نحوی تحت تاثیر این شعر قرار گرفته‌اند. و اساساً اولین برخورد جدی مردم با شعر نو از طریق افسانه بوده است. افسانه منظومه‌ی غنایی در حال و هوایی نو و با همه اشکالات زبانی و اطناب‌ها و تعقیدهایی که دارد شعری تاثیر گذار است." <sup>xix</sup>

شکوه‌ها را بنه، خیز و بنگر

که چگونه زمستان سر آمد.

جنگل و کوه در رستخیز است عالم از تیره روئی در آمد...

عاشقا! خیز کامد بهاران

چشمه کوچک از کوه جوشید،

گل به صحرا درآمد چو آتش،

رود تیره چو طوفان خروشید،

دشت از گل شده هفت رنگه. <sup>xx</sup>

الحیدری بیگانگی شدید اجتماعی را تجربه کرده است، و می‌خواست برای رهایی از انزوای خفه کننده اش شور و احساس عشق پیدا کند، اما او محبتی در زنی نیافت، زنی که به او عشق می‌بخشد و در درد و رنج طولانی با او شریک شود. این بر احساسات درونی او تاثیر منفی گذاشت، و در برابر هر احساس واقعی که ممکن است روزی از آن عبور کند عصیان کند، او در گرداب پیری عاطفی است، بنا بر این هرگز در واقع یک دوست دختر مورد نظر وجود ندارد، بلکه یک رویا است. <sup>xxi</sup>

شتویة آخری

وهذا انا

هنا

بجنب المدفأة

أحلم أن تحلم بي ... امرأة <sup>xxii</sup>

" نیما شاعر سمبولیسم اجتماعی است، مسائل اجتماعی در کشورهای استبدادی با مسائل سیاسی آمیخته است و طبیعی است که شاعران در بیان این گونه مطالب باید امکانات سمبل متوسل شوند<sup>xxiii</sup> بنظر می رسد که او در شعر ( آقا توک ) به صورت نمادین تصویری از سرگردانی، درد، بی اعتنایی، ناامیدی و حقارت را به نمایش می گذارد:<sup>xxiv</sup>

" چگونه دوستان من گریزان اند از من! " گفت توکا.

" شب تاریک را بار درون وهم است یا رؤیای سنگینی ست! "

و با مردی درون پنجره بار دگر برداشت آوا:

" به چشمان اشک ریزانند طفلان.

منم بگریخته از گرم زندانی که با من بود، ...<sup>xxv</sup>

شاعر در شعر ( خانه ام ابری است ) فضای استبداد و پیامدهای منفی آن را نشان می دهد، آن شعری نمادین است، به نظر می رسد که واژه های ( ابری ) و ( باد ) نماد ظلم و ستمی است که جوامع در معرض آن قرار می گیرند.<sup>xxvi</sup>

نیما می بیند که، تا زمانی که بی عدالتی، جفا و اخاذی وجود دارد، حتی در گوشه ای از جهان، همه دنیا تحت تاثیر آن قرار می گیرد و تاریک و ابری و تیره می شود. و اگر بادهای ویرانگر و غبار آلود ناشی از ظلم و نا آرامی های اجتماعی در جامعه ای بوزد، همه جهان ویران و از دیدن حقیقت ناتوان می گردد.<sup>xxvii</sup>

خانه ام ابری ست

یکسره روی زمین ابری ست با آن.

از فراز گردنه خُرد و خراب و مست

باد می پیچد.

یکسره دنیا خراب از اوست

و حواس من! ...<sup>xxviii</sup>

الحیدری عاطفه درد را تجسم می بخشد تا گیرنده را برانگیزد، او احساس خشم، یاس، و بی عدالتی می کند، و منبع تصاویر شاعر تجربه او ست. در می یابیم که تعامل تجربیات میراثی با محیط شاعر و شرایط شخصی او منجر به تصاویر شاعرانه می شود، او آنها را نمادهایی می سازد که از آنها استفاده می کند تا وسیله ای هنری باشند که عمق رنج خود را آشکار کند. عمق رنج او ناشی از

واقعیت عراق است، با شادی ها و غم ها، و تلاش برای امیدواری، و قدرت ناامیدی و شرایط سخت زندگی است: xxix

یا طیوف الفناء هذی حیاتی

دمریها

فقد سئمت الوجودا

بدلی النور

بالظلام

ودوسی تحت رجلیک عمری المکدودا xxx

توجه داریم که شاعر از کلمات عامیانه مانند کلمه (دوسی: پا مال کن) استفاده می کند؛ زیرا بهتر از دیگر کلمات می توان رنج خود و جامعه اش را از اشکال کشتار و آوارگی بیان کند. شاعر برای نشان دادن بیگانگی روحی و خود مظلومش بغداد را مخاطب قرار می دهد: xxxi

بغداد تلك الفاتنة السمرء؟؟ / لماذا ما عدت آراها الآ فی ثوب حداد؟؟

الآ فی ظهر منحنی او جلد مهري؟؟

او شهقة امرأة تكلی؟ xxxii

نیما اشعاری با مفاهیم سیاسی و اجتماعی سروده است، مانند شعر (محبس) که آن مفاهیم بطور نمایان وجود دارد که شاعر آن را در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) به یادگار فقرای محبوس سروده است. همینطور که در شعر (خارکن) به مسئله رنج و درد مردم فقیر پرداخته است: xxxiii

پشتش از پشته ی خاری شده خم

روی از رنج کشیده در هم

خسته، وامانده به ره خاکنی

شکوه ها داشت به هر پنج قدم:

" ای خدا بخت مرا پایان نیست

حرفه ی شوم مرا سامان نیست .... xxxiv

" همچنین نیما در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) شعر بلند (خانواده سرباز) را می سراید و در آن از زندگی رقت بار توأم با فقر و بی کسی همسر و فرزندان خانواده ای سخن می گوید که پدر آن خانواده سربازی است که به جنگ با روس ها فرستاده شده است: xxxv

به خواهر کوچکم ناکتا.

در زمان امپراطوری نیکلای روس

وسربازهای گرسنه ی قفقاز

شمع می سوزد بر دم پرده،

تاکنون این زن خواب نا کرده،

تکیه داده ست او روی گهواره.

آه! بیچاره! آه! بیچاره! xxxvi

الحیدری تبعیض طبقاتی حاکم بر جامعه اش را نشان می دهد، او خود را پیاده روی توصیف می کند که کسانی را که با پا در آن راه می روند، توصیف می کند و بین دو گروه در جامعه فرق می گذارد: فقیر و غنی، یا زحمتکش و قدرتمند: xxxvii

أمسیت رصیفاً فی هذا الشارع

تسحقتی اقدامهم

أبیض بها حیناً...

أحياناً أسود. xxxviii

همچنین طبقه صاحبان سرمایه و افراد با نفوذ در دولت و طبقه کارگران زحمتکش را از طریق یقه سفید ( برای اول ) و کت سیاه ( برای دوم ) نشان می دهد. می بینیم که شاعر با دسته اول از فعل ( تخنقها: او را خفه کند ) استفاده کرده است و حکایت از غصب مناصب و توانایی ها و گرفتن آنها به زور دارد، در حالی که فعل ( تعرق: عرق می کند ) را با دسته دیگر به کاربرد که نشان دهنده خستگی و زحمت مداوم برای امرار معاش است: xxxix

أسماء تخنقها یاقات بیضاء.

أسماء تعرق تحت معاطف سوداء. xl

### نتیجه گیری

- این دو شاعر از پیشگامان نوسازی و نوگرایی در شعر در کشورهای شان به شمار می روند.

- نیما یوشیج را از پیشگامان شعر آزاد در ایران می دانند که به شعر نیمائی معروف است. و همینطور بلند الحیدری از پیشگامان شعر آزاد در عراق به شمار می رود.

- این دو شاعر در شعر شان موضوعات جدیدی از جمله: مسائل زنان، آزادی، رنج و درد جامعه از بی عدالتی و استبداد، استفاده از نمادها و اسطوره ها و دیگر مسائل انسانی را به نمایش گذاشتند.

- این دو شاعر از شاعران مکتب رمز گرائی بشمار می آیند.

### پی نوشت

- i - ن.ک: محمد حقوقی و دیگران، ۱۳۸۴ : ۱۰ - ۱۲.
- ii - ن.ک: اسماعیل حاکمی، ۱۳۷۶ : ۷.
- iii - ن.ک: اسماعیل حاکمی، ۱۳۷۶ : ۱۱ - ۱۲.
- iv - ن.ک: محمد حقوقی و دیگران ۱۳۸۴ : ۲۰ - ۲۸.
- v - ن.ک: یوسف الصائغ، ۲۰۰۶ : ۲۰ - ۲۱.
- vi - ن.ک: همان: ۲۲ - ۲۳.
- vii - ن.ک: همان: ۲۹.
- viii - بلند الحیدری، ۱۹۲۶ : ۳۹.
- ix - ن.ک: یوسف الصائغ، ۲۰۰۶ : ۳۰.
- x - ن.ک: یوسف الصائغ، ۲۰۰۶ : ۳۱ - ۴۱.
- xi - ن.ک: بلند الحیدری، ۱۹۷۴ : مقدمه خفقه الطین.
- xii - ن.ک: یوسف الصائغ، ۲۰۰۶ : ۵۷ - ۵۸.
- xiii - ن.ک: محمد حقوقی، ۱۳۸۴ ، ۱۱ - ۱۲.
- xiv - ن.ک: اسماعیل حاکمی، ۱۳۷۶ : ۵۷.
- xv - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۲۸۰.
- xvi - ن.ک: نائل درویش سلیمان المصری: ۱۱۵.
- xvii - بلند الحیدری، ۱۹۹۲ : ۷۸۵.
- xviii - ن.ک: سیروس شمیسا، ۱۳۸۸ : ۲۴۲ - ۲۴۳/۲.
- xix - سیروس شمیسا، ۱۳۸۸ : ۲۳۰.
- xx - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۴۹ - ۵۰.
- xxi - ن.ک: قیس صبیح العطوانی: بلا.
- xxii - بلند الحیدری، ۱۹۹۲ : ۲۴۹.
- xxiii - سیروس شمیسا، ۱۳۸۸ : ۱۳۵.
- xxiv - ن.ک: تقی پورنامداریان، ۱۳۸۱ : ۱۲۶.
- xxv - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۴۳۹.
- xxvi - ن.ک: علی محمدی، ۲۰۲۱ : ۴۸.
- xxvii - ن.ک: تقی پورنامداریان، ۱۳۸۱ : ۳۴۱.
- xxviii - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۵۰۴ - ۵۰۵.
- xxix - ن.ک: وسن علی الزبیدی: بلا.
- xxx - بلند الحیدری، ۱۹۹۲ : ۶۱.
- xxxi - ن.ک: وسن علی الزبیدی: بلا.
- xxxii - بلند الحیدری، ۲۰۱۶ : بلا.
- xxxiii - ن.ک: حسین پور چافی علی، ۱۳۹۰ : ۲۳۲.
- xxxiv - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۸۳.
- xxxv - حسین پور چافی علی، ۱۳۹۰ : ۲۳۲.
- xxxvi - نیما یوشیج، ۱۳۸۰ : ۸۶.
- xxxvii - ن.ک: نائل درویش سلیمان المصری، ۲۰۱۴ : ۱۵۲.
- xxxviii - بلند الحیدری، ۱۹۹۲ : ۵۰۰ - ۵۰۱.
- xxxix - ن.ک: نائل درویش سلیمان المصری، ۲۰۱۴ : ۱۵۲.
- xl - بلند الحیدری، ۱۹۹۲ : ۵۰۱.

## منابع

- پورنامداریان، تقی؛ خانه ام ابری است، شعر نیما از سنت تا تجدد، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
- حاکمی، اسماعیل؛ ادبیات معاصر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، آبان ۱۳۷۶.
- حسین پورچافی، علی؛ جری‌انهای شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۰.
- حقوقی، محمد؛ معصومی همدانی، حسین؛ سمیعی گیلانی، احمد، شعر امروز ایران (مقالات، اشعار، دیدگاهها) ترجمه: موسی اسوار، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- حقوقی، محمد؛ نیما یوشیج، شعر نیما یوشیج از آغاز تا امروز، شعرهای برگزیده، تفسیر و تحلیل موفق ترین شعرها، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
- الحیدري، بلند؛ الأعمال الكاملة للشاعر بلند الحیدري، دار سعاد الصباح، ط ۱، ۱۹۹۲.
- الحیدري، بلند؛ الانطولوجی، اربع رسائل من بلند الحیدري الى نسیم رجوان، لندن ۱۹۹۵/۳/۹، Mar 23, 2016. alantologia.com
- الحیدري، بلند؛ خفقة الطین، دار العودة، بیروت، ۱۹۷۴.
- الحیدري، بلند؛ خواطر في الشعر العراقي الحديث، الأديب العراقي، العدد: ۱، ۱۹۲۶.
- الزبيدي، وسن علي؛ مصادر الصورة الشعرية عند بلند الحیدري، February 24, 2015. نت.
- شمیسا، سیروس؛ راهنمای ادبیات معاصر، شرح وتحلیل شعر نو فارسی، نشر می‌ترا، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۸ش.
- الصائغ، یوسف؛ الشعر الحر في العراق منذ نشأته حتى عام ۱۹۸۵، دراسة نقدية، من منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۶.
- العطواني، قیس صبیح؛ التمرد في شعر الإغتراب عند بلند الحیدري، كلية التربية قسم اللغة العربية، الجامعة المستنصرية. نت.

محمدي، علي؛ الإنسانوية ومظاهرها في أشعار نىما يوشىج، فصلية اضاءات نقدية، السنة ١١، العدد ٤٢، صيف ٤٠٠٠ش، حزينان ٢٠٢١م.  
المصري، نائل درويش سلىمان؛ سىمىاء الألوان في شعر بلند الحيدري، رسالة ماجستير، كلية الآداب في الجامعة الإسلامية بغزة، قسم اللغة العربية، ٢٠١٦م - ١٤٣٦هـ . .  
يوشىج، نىما؛ مجموعه كامل اشعار فارسى و طبرى، گرد أورى، نسخه بردارى و تدوين: سىروس طاهباز، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ١٣٨٠.

## References

- Purnamdarian, Taqi; Khana Um Abri Ast, Poetry of Nima As Sent ta Tjadedd, Chap .Dom, Tehran, Soroush publications, 1381
- Hakami, Ismail; Contemporary literature, Chap Center and Daneshgah publications .Payam Noor, Chap Penjem, Aban 1376
- Hossein Borchafi, Ali; Garyanhai Contemporary Poetry Persian as kudta (1332) t .enghelab (1357), founder of Amir Kabir publications, Chap Som, Tehran, 1390
- haghoughi, Muhammad; Masoumi Hamedani, Hussein; Samei Gilani, Ahmad, Poetry of Emroz, Iran (articles, poems, Didgahha) translated by: Musa Aswar, Farhangistan Zaban and Persian literature, Chap Awal, 1384.
- haghoughi, Mohammad, Nima Yoshij, Nima Yoshij's poetry from the beginning to the present day, selected poems, interpretation and analysis of the most successful poems, Negah Publishing Institute, 6th edition, 2005.
- Al-Haidari, Bland; The complete works of the poet Baland Al-Haidari, Dar Souad Al-Sabah, 1st edition, 1992
- Al-Haidari, Bland; Ontology, Four Letters from Baland Al-Haidari to Naseem Rajwan, .London 9/3/1995, Mar 23, 2016. alantologia.com
- Al-Haidari, Bland; Clay beat, Dar Al-Awda, Beirut, 1974.
- .Al-Haidari, Bland; Thoughts in modern Iraqi poetry, the Iraqi writer, Issue: 1, 1926
- Al-Zubaidi, Wasan Ali; Sources of poetic image at Baland Al-Haidari, February 24, .2015. Net

- Shamisa, Cyrus; Rahnmay Contemporary Literature, Explanation and Analysis of No-  
.Persian Poetry, Mitra Publishing, Chap Dom, Zemistan 1388 st
- Al-Sayegh, Yousef; Free poetry in Iraq from its inception until 1985, a critical study,  
.published by the Arab Writers Union, Damascus, 2006
- Al-Atwani, Qais Sobeih; Rebellion in the Poetry of Alienation at Baland Al-Haidari,  
.College of Education, Department of Arabic Language, Al-Mustansiriya University. net
- Muhammadi, Ali; Humanism and its manifestations in the poems of Nima Yoshij,  
Critical Illuminations Quarterly, Year 11, Issue 42, Summer 1400 A.M., June 2021  
.AD
- Al-Masry, Nael Darwish Suleiman; The semiology of colors in the poetry of Baland Al-  
Haidari, Master's thesis, Faculty of Arts at the Islamic University of Gaza, Department  
.of Arabic Language, 2016 AD – 1436 AH
- Yoshige, Nima; Complete collection of Persian and Tabari poetry, gurd-e-ori, Bardari  
.version and transcription: Sirous Tahbaz, founder of Ansharat Negah, Tehran, 1380